بازیگران تاریخ

میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل مشروطه‌خواه ناشناخته

میرزا جهانگیرخان شیرازی، فرزند آقا رجبعلی، در سال ۱۲۹۲ هـ.ق، در شیراز متولد شد؛ پدرش را در کودکی از دست داد و تربیت او را عمه و مادربزرگش برعهده گرفتند. پس از پایان تحصیل مقدماتی در شیراز، در ۱۹ سالگی، به تهران رفت و به تحصیل در دارالفنون پرداخت. او در همین ایام، با شیخ هادی نجم‌آبادی، ارتباط پیدا کرد و در زمره «مریدان مخصوص» وی قرار گرفت و سرانجام، به فرقه بابیه پیوست. با آغاز جریان مشروطه‌خواهی، میرزا جهانگیرخان که از علاقه‌مندان به اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، داماد میرزایحیی صبح ازل (رئیس وقت فرقه ازلیه) بود، آثار وی را تصحیح و بازنویسی کرد. میرزا جهانگیرخان به عضویت انجمن‌های متعددی که در پی اوج گرفتن جنبش مشروطه شکل گرفته بودند، درآمد و به تندروترین این انجمن‌ها، یعنی اجتماعیون عامیون که مرکزش در باکو بود، پیوست. فعالیت سیاسی او، بعد از تشکیل اولین دوره مجلس شورای ملی و استقرار مشروطه، ادامه یافت و به همراه دیگر مشروطه‌خواهان تندرو، به عضویت کمیته ملی درآمد. کمیته ملی، ۱۵ عضو داشت: میرزا نصرا... ملک‌المتکلمین؛ سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی، سید محمدرضا شیرازی مساوات؛ ابراهیم خان حکیم‌الملک، سید حسن تقی‌زاده، سید عبدالرحیم خلخالی، سید جلیل اردبیلی، حسینقلی‌خان نواب، ادیب‌السلطنه، جهانگیر خان شیرازی، میرزا علی‌اکبرخان دهخدا، میرزا داودخان، میرزا محمدعلی خان نصرت‌السلطان، ابوالحسن خان معاضدالسلطنه و میرزا سلیمان‌خان. اعضای کمیته هر نیمه شب در منزل حکیم‌الملک، در خیابان پستخانه، گردهم جمع می‌شدند و با طلوع آفتاب محل را ترک می‌کردند. هدف این تشکل، تهییج افکار عمومی به منظور مبارزه با محمدعلی‌شاه بود و سخنورانی چون سید جمال‌الدین واعظ و ملک‌المتکلمین، با سخنرانی‌های خود و میرزا جهانگیرخان، مساوات و دهخدا، با انتشار روزنامه و مقالات تند، به این هدف کمک می‌کردند و سیاستمداران عضو نیز، به شیوه خود، بر آشفتگی اوضاع می‌افزودند. میرزا جهانگیرخان به همراه علی‌اکبر دهخدا و قاسم تبریزی، تصمیم به انتشار روزنامه‌ای گرفتند که سرمایه آن را قاسم تبریزی فراهم کرد و آن را صوراسرافیل نامیدند. مدیریت روزنامه برعهده میرزا جهانگیرخان بود. نخستین شماره این روزنامه در هفدهم ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ در تهران منتشر شد. مشی روزنامه، سیاسی، تاریخی و اخلاقی بود. بیشتر مقالات روزنامه صوراسرافیل، بدون نام نویسنده چاپ می‌شد و تنها ستون «چرند و پرند» بود که امضای «دخو»، نام مستعار علی‌اکبر دهخدا را داشت. میرزا جهانگیرخان که در ابتدا پیشنهاد همکاری امین‌السلطان، رئیس‌الوزرای طرفدار محمدعلی‌شاه را پذیرفته بود، مدتی بعد با همکاری حیدرخان عمواوغلی، طرح ترور وی را ریخت؛ نقشه ای که به مرحله اجرا گذاشته شد. عین‌السلطنه در روزنامه خاطرات خود، درباره میرزا جهانگیرخان می‌نویسد: «این میرزا جهانگیر شیرازی یکی از لامذهب‌هاست؛ تاحال دو دفعه روزنامه‌اش را توقیف [کرده‌اند]، سه مرتبه محاکمه شده [است]. این توقیف و محاکمه هم مثل چوب خوردن و تبعید کردن‌های سابق، باعث ترقی او شده؛ روزنامه او را از همه بهتر خریداری می‌کنند و می‌پسندند. یا از مذهب بد می‌نویسد و از علما، یا از شاه و محترمین.» با به توپ بستن مجلس، میرزا جهانگیرخان نیز بازداشت شد. او را به باغشاه بردند و به همراه ملک‌المتکلمین و چند نفر دیگر، با طناب خفه کردند.

فهرست مشکوک شیندلر!

نقدهای تاریخی «دیوید ایروینگ» و «روژه گارودی» بر ادعایی که «اسپیلبرگ» آن را به تصویر کشید

جواد نوائیان رودسری– روژه گارودی، مورخ و فیلسوف فقید فرانسوی، در کتاب مشهور «تاریخ یک ارتداد» می‌نویسد: «قرار نیست مهندسی اموات راه بیندازیم؛ مرگ انسان‌های بی‌گناه، حتی اگر یک نفر باشد، جنایت علیه بشریت است.» در این نوشتار ما درپی نفی رنجی که بر انسان‌ها، صرف نظر از نژاد و مذهبشان می‌رود، نیستیم. نمی‌خواهیم به کریه‌ترین جنایت تاریخ بشریت که بیش از ۶۰ میلیون کشته روی دست جهانیان گذاشت، ردای برائت بپوشانیم؛ اما به قول گاندی، «حتی اگر یک نفر هم باشی، حقیقت، حقیقت است و نمی‌توان انکارش کرد.» از سال ۱۹۴۸ و حتی قبل از آن، ادعای نسل کشی یهودیان توسط آلمان نازی، دستمایه بسیاری از جنایت‌ها و وحشی‌گری‌های رژیم صهیونیستی بوده‌است. صهیونیست‌ها، هنوز هم ول کن ماجرا نیستند؛ موزه می‌سازند، آدم به محاکمه می‌کشانند، فیلم تولید می‌کنند و روی مُخ مردم دنیا راه می‌روند تا بگویند که یهودیان، تنها قربانیان واقعی جنگ جهانی دوم بوده‌اند؛ یهودیانی که هیچ خط و ربطی با رژیم صهیونیستی ندارند و فلسطینی‌ها، قاتل آن‌ها نیستند؛ اما باید جور اروپایی‌هایی را بکشند که صهیونیست‌ها مدعی هستند، روزی روزگاری، علیه یهودیان نسل کشی به راه انداخته‌اند. بنابراین، بحث ما در این نوشتار، تنها نفی یک ادعا یا تأیید آن نیست؛ بلکه سپردن بهانه‌ای به محک آزمون است که دستمایه دست کم ۷۰ سال چپاول، کشتار و بیرون راندن ملتی مظلوم از سرزمینش محسوب می‌شود.

■ درباره یک فیلم تأثیرگذار

استیون اسپیلبرگ، یکی از شناخته شده‌ترین نام‌ها در عالم سینماست؛ ممکن نیست کسی عاشق سینما باشد و «آواره»، «نجات سرباز رایان»، «هوش مصنوعی»، «پارک ژوراسیک» و مجموعه «ایندیانا جونز» را ندیده باشد؛ اسپیلبرگ خالق تمام این آثار درخشان در دنیای هنر هفتم است. اما او در سال ۱۹۹۳، فیلمی ساخت که با حمایت سازمان‌های تبلیغاتی وابسته به لابی صهیونیست‌ها در آمریکا، شهرتی جهانی پیدا کرد؛ «فهرست شیندلر». فیلمی در ژانر تاریخی – جنگی که به ماجرای نسل کشی یهودیان در سرزمین‌های تحت اشغال آلمان نازی اختصاص دارد. سازندگان فیلم مدعی هستند که این اثر را بر اساس داستان واقعی زندگی اسکار شیندلر، یک صنعتگر آلمانی که گفته می‌شود طی جنگ جهانی دوم بیش از هزار یهودی لهستانی را از چنگ نازی‌ها نجات داده است، ساخته‌اند. بنیاد فیلم آمریکا، این فیلم را جزو ۱۰ فیلم برتر ژانر خودش معرفی می‌کند. از حق نباید گذشت که «فهرست شیندلر»، بیننده را سر جایش میخکوب می‌کند، داستانی پیوسته و محکم دارد، نقش آفرینی بازیگران، به خصوص لیام نیسون (در نقش شیندلر) و بن کینگزلی (در نقش اشترن)، فوق‌العاده تأثیرگذار است و علاوه بر این، ساخته شدن اثر به صورت سیاه و سفید باعث می‌شود که مخاطب ارتباط بیشتری با داستان برقرار کند. این فیلم، جایزه اسکار بهترین فیلم و کارگردانی را به دست آورد و شهرتی جهانی پیدا کرد؛ اما آیا آن‌چه را که فیلم ساز به خورد مخاطب فهرست شیندلر می‌دهد، می‌توانیم باور کنیم؟

■ نقدی بر یک چالش ۸۰ ساله

هولوکاست طی هشت دهه گذشته، به یکی از چالش برانگیزترین مباحث تاریخ عمومی تبدیل شده است. در

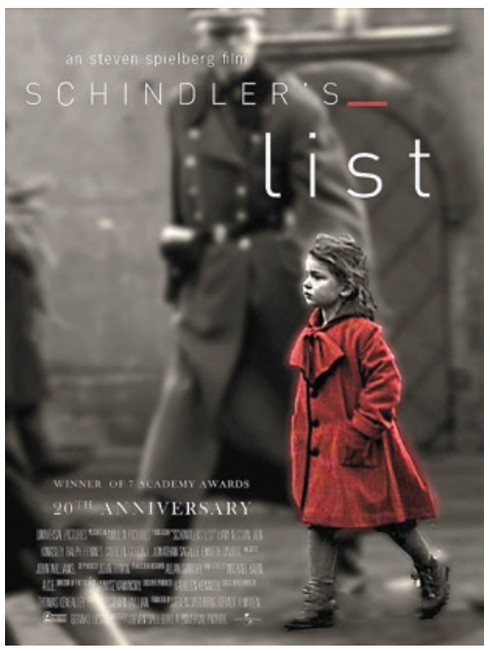

دیوید ایروینگ (راست) و روژه گارودی منتقدان هولوکاست

اروپا، با وجود ادعای آزادی بیان و تلاش برای گرفتن ژست دموکراتیک، هولوکاست یکی از خطوط قرمز است و نقد و بررسی آن، با دادگاه، جریمه و زندان پاسخ داده می‌شود. دیوید ایروینگ، مورخ بریتانیایی و روژه گارودی، مورخ فرانسوی، دو نمونه برجسته از کسانی هستند که به دلیل انکار هولوکاست و نقد منطقی و مستند آن، تحت فشار قرار گرفتند و جریمه و زندانی شدند؛ بنابراین، هیچ کس در قاره سبز، نمی‌تواند فهرست شیندلر را به لحاظ محتوایی نقد کند، مگر آن که نظر مثبتش در این باره، مساعد باشد! مستنداتی که گارودی و ایروینگ در کتاب‌هایشان ارائه می‌کنند و برخی دیگر از مورخان و پژوهشگران بی‌طرف نیز بر آن‌ها صحه می‌گذارند، بر چند نکته کلیدی تأکید دارد:

اول: ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاه نورنبرگ، دادگاهی که توسط متفقین راه افتاد و کارش محاکمه سران دولت‌های محور، یعنی شکست خوردگان جنگ جهانی دوم بود و در آن، موضوع هولوکاست به عنوان امری بدیهی معرفی شد و بعدها، صهیونیست‌ها با استناد به همین حکم، خود را در اعمال زور بر همه دنیا، صاحب حق معرفی کردند، می‌گوید: «دادگاه در پذیرش موارد و وقایعی که شهرت عمومی دارد، خود را نیازمند به مدارک و ادله محکمه‌پسند، نخواهد دانست[!]» موضوع هولوکاست در دادگاه نورنبرگ، صرفاً با شهادت شهودی که متفقین، یعنی برپاکنندگان دادگاه، آن‌ها را معرفی می‌کردند، پذیرفته شد. متهمان هیچ فرصت دفاعی نداشتند و نمی‌توانستند ادله و اسناد مدنظر خود را به دادگاه ارائه کنند؛ آن‌ها آمده بودند تا محکوم شوند.

دوم: این که یهودیان اروپایی در جریان جنگ جهانی دوم، به هر بهانه‌ای، مورد آزار و اذیت قرار گرفتند و به قتل رسیدند، موضوع قابل انکاری نیست؛ اما آن‌چه تردید را بر می‌انگیزاند، اولاً آمار ارائه شده و ثانیاً، تمرکز بر قتل عام یهودیان به نام نسل کشی است. آمار کشته شدگان جنگ جهانی دوم، هیچ‌گاه دقیقاً مشخص نشد، اما اطلاعات موجود، از ۶۰ میلیون قربانی سخن می‌گوید که حدود ۳۰ میلیون نفر آن‌ها، از اتباع اروپای شرقی و نژاد اسلاو بوده‌اند؛ مردمانی که آشکارا، ارتباطی به یهودیان ندارند. اگر بناست آمار شش میلیون نفر قربانی یهودی را بپذیریم و آن را نسل کشی بنامیم، پس کشتار اسلاوها را با چه اصطلاحی باید معرفی کنیم؟ درباره اصل آمار مقتولان یهودی نیز، تردیدهای بسیار جدی وجود دارد. هم ایروینگ و هم گارودی با ادله بسیار مستند، در صحت تعداد نفرات و گزارش‌های موجود در بقایای اردوگاه‌های آدم‌سوزی داخائو و... تردید کرده‌اند. طبق گزارش گارودی، روی تابلوی معرفی اردوگاه داخائو برای گردشگران، تا سال ۱۹۶۵، عدد شش میلیون نفر قربانی یهودی ثبت شده بود، اما این ارقام به تدریج در سال‌های بعد کاهش یافت؛ اوایل دهه ۱۹۷۰ به ۲ میلیون نفر و در اواخر این دهه به ۵۰۰ هزار نفر رسید. در دهه ۱۹۹۰، عملاً به گردشگران گفته می‌شد که اتاق‌های گاز داخائو هنوز تکمیل نشده و لذا کسی در این اتاق‌ها، به قتل نرسیده است؛ موضوعی که در فیلم فهرست شیندلر، با تصاویر تأثربرانگیز جمع کردن اسرای یهودی برهنه در داخل اتاق‌ها و نیز، پشت کامیون‌ها و گاز و دود دادن به آن‌ها برای قتل‌شان، به خورد مخاطب داده می‌شود و او را در درگیری احساسی شدیدی برای پذیرش این دروغ تاریخی قرار می‌دهد.

سوم: موضوع دیگری که دم خروس صهیونیست‌ها را در این ماجرا، آشکارتر می‌کند، گزارش‌هایی است که گارودی درباره ارتباطات یهودیان عضو آژانس یهود و صهیونیست‌های افراطی، با نازی‌ها ارائه کرده‌است. طبق مستندات گارودی در «تاریخ یک ارتداد»، صهیونیست‌های معروفی مانند شیمون پرز و اسحاق شامیر، رسماً با نازی‌ها مرتبط بودند و امور مربوط به اخراج یهودیان از اروپا و انتقال آن‌ها به اراضی اشغالی فلسطین را برعهده داشتند. بنابراین، به نظر می‌رسد یهودیان معترض به فاشیست‌ها، ابتدا باید صهیونیست‌هایی مانند شامیر را پای میز محاکمه بکشانند و بعد به سراغ افراد دیگر بروند.

چهارم: شاید تکرار این مسئله ضروری باشد که اصولاً واقعه هولوکاست، در صورت پذیرش، هیچ ارتباطی به خاورمیانه و مسلمانان ندارد. صهیونیست‌ها بسیار کوشیده‌اند که اتهاماتی را در این زمینه به تعدادی از مسلمانان سرشناس وارد کنند، اما این اتهامات، اولاً قابل اثبات نیست و برگرفته از یک نمایش تبلیغاتی گسترده است و ثانیاً، حتی در صورت اثبات، نمی‌تواند مُثبِت به حق بودن جنایات پرشمار صهیونیست‌ها در سرزمین‌های اشغالی فلسطین و اعمال خوی اشغالگری آن‌ها در اراضی کسانی باشد که اصولاً ربطی به ماجرا نداشته‌اند. اگر قرار است صهیونیست‌ها که ظاهراً خود را نماینده یهودیان می‌دانند، برای اثبات جنایت و محاکمه جنایتکاران و مطالبه غرامت، کسی را خِفْت کنند، هیچ کس لایق‌تر از اروپایی‌ها پیدا نمی‌شود!

به طور خلاصه می‌توان گفت که فهرست شیندلر، فیلمی با داستان مشکوک و قابل تردید تاریخی است که می‌خواهد اتفاقاتی وهم‌آلود را در ذهن مخاطب خود، نهادینه کند. تردیدی نیست که عوامل سازنده و از جمله کارگردان فیلم، اسپیلبرگ که یک یهودی است، روی تاریخ‌ندانی مردم دنیا، حساب کلانی باز کرده‌اند.

تاریخ جهان

اتحادیه جوانان اروپایی تزریق توهم در ذهن و هم‌زدگان!

جوانان هیتلری در جریان یک کنگره که در سال ۱۹۴۲ در شهر وین برگزار شد، به تاسیس نهادی موسوم به «اتحادیه جوانان اروپایی» اقدام کردند؛ اما رؤیای «اروپای نوین» آن‌ها در حد یک خواب و خیال و پندار خام باقی ماند. به گزارش تاریخ ایرانی، در سالن بزرگ ساختمانی واقع در «رینگ اشتراسه» که زمانی محل پارلمان اتریش در شهر وین به شمار می‌رفت، شور و حال غریبی حاکم بود. حدود ۳۰۰ جوان کم سن و سال و همین طور بزرگ سالان جوان، از ۱۸ کشور اروپایی، به پلاکارد بزرگی که بر به اصطلاح پیشانی سالن قرار داشت، چشم دوخته بودند. روی این تابلو، تصویر اساطیری آن گاو نر و اروپای ربوده شده نقش بسته بود. [اروپا در اساطیر یونانی دختر پادشاه سیدون بود که توسط زئوس که خود را به صورت یک گاو نر در آورده بود، ربوده شد و بعدها نام وی یعنی اروپا را، بر قاره سبز گذاشتند]. در همین حال «بالدور فون شیراخ» ۳۵ ساله و فرمانده سابق جوانان هیتلری که در آن روزها، از سوی دولت نازی آلمان به فرمانداری وین منصوب شده بود، روی سِن آمد و پس از خوشامدگویی به حاضران گفت: «اولین کنگره اروپای جوان را افتتاح می‌کنم.» پس از وی، «آلدو ویدوسونی»، فرمانده ۲۸ ساله جوانان فاشیست ایتالیا، پشت تریبون قرار گرفت و سلام‌های گرم بنیتو موسولینی را به حاضران ابلاغ کرد. افزون بر آلمان و ایتالیا، نمایندگان و فرستادگان ۱۲ کشور دیگر اروپایی، در قالب هیئت‌های چند نفره، در مراسم افتتاحیه حضور داشتند. از جمله این کشورها می‌توان از بلغارستان، دانمارک، کرواسی، هلند، نروژ، رومانی، اسلواکی، اسپانیا و مجارستان یاد کرد. بعد از برگزاری برنامه‌های متعدد که با تشویق شدید حضار همراه بود، شیراخ از مهمانان خارجی برای حضور در کاخ مشهور «شون برون» وین دعوت کرد. در آن جا و در سالن جشن کاخ، حاضران شاهد اجرای برنامه از سوی اپرای دولتی وین بودند و در سالن موسیقی، به اجرای اثر معروف «عروسی فیگارو»، ساخته موتسارت گوش سپردند. اما آن برنامه فرهنگی که با پرچم تزیینی ملت‌های اروپا در وین و طی تجمعی ۱۰۰ هزار نفری، در هلدِن پلاتز این شهر، در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۴۲ برگزار شد؛ با واقعیات موجود هیچ سنخیتی نداشت و اقدامی کاملاً فریبنده به شمار می‌رفت. کنگره جوانان در حاشیه ویرانه‌ها و تباهی‌ها برگزار شد؛ زیرا در همان حال که جوانان هیتلری در وین جشن گرفته بودند، سربازان آلمانی دو هزار کیلومتر دورتر، یعنی در شرق اروپا و داخل شهر استالینگراد، در حال نبرد بودند. دو ماه بعد بود که این شهر، از سوی ارتش سرخ شوروی به محاصره درآمد و در آغاز فوریه ۱۹۴۳ بود که نیروهای آلمانی در استالینگراد شکست خوردند. این که سازمان‌ها و اتحادیه‌هایی مانند اتحادیه جوانان هیتلری، همواره اقلیتی کوچک را نمایندگی می‌کردند، واقعیتی بود که خیلی زود آشکار شد.

قاب تاریخ

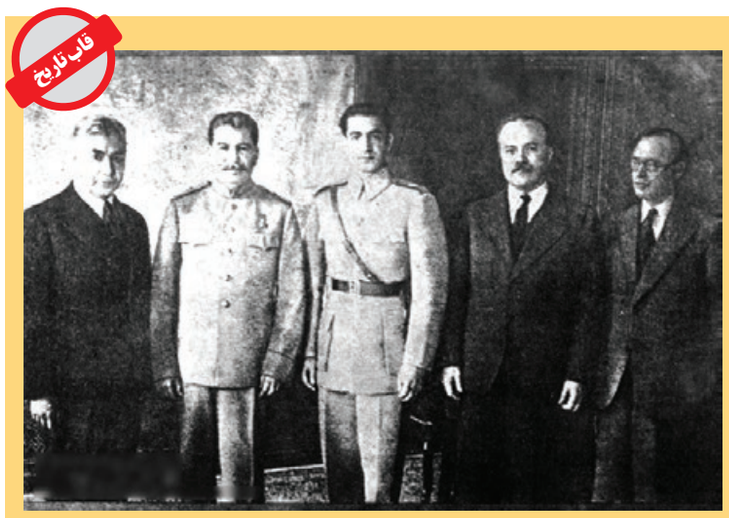

بالاخره استالین بود، یا نبود؟!

تصویری که امروز باهم در قاب تاریخ مرور می‌کنیم، تصویر دیداری است که در ۹ آذرماه سال ۱۳۲۲ اتفاق افتاده است؛ سران متفقین، یعنی استالین، چرچیل و روزولت به تهران آمده بودند تا در یک کنفرانس، درباره سهم خود از پیروزی، پس از شکست قطعی آلمان نازی، مذاکره کنند. طبق گزارش حسین فردوست، دوست و ندیم شاه، نزدیکان به دربار، تلاش فراوانی کردند تا یکی از این سران، به دیدار محمدرضا پهلوی بیاید. این دیدار می‌توانست مهر تأییدی بر رسمیت حکومت او نزد بیگانگان باشد و این کار، در حالی که پهلوی‌ها، با بحران مشروعیت داخلی دست به گریبان بودند، می‌توانست در تثبیت قدرتشان مؤثر باشد. با این حال، نه چرچیل و نه روزولت، نپذیرفتند که شخصاً به دیدار شاه بروند و تنها چرچیل، به ملاقاتی کوتاه با او در حاشیه کنفرانس، بسنده کرد. اما استالین که برای نفت شمال ایران برنامه مفصلی داشت، با پیشنهاد مشاورانش، پذیرفت که به دیدار محمدرضا پهلوی برود. واسطه این دیدار، احمدعلی سپهر معروف به مورخ‌الدوله بود. قرار شد برنامه ملاقات شاه با استالین، در کاخ مرمر برگزار شود. با این حال، روس‌ها شرط کردند که برای این دیدار، باید نیروهای محافظ ایرانی برداشته و جایشان، نظامیان شوروی گذاشته شوند. شاه که به هر قیمت، درپی انجام این ملاقات بود، پذیرفت و به این ترتیب، جلسه دیدار برگزار شد. در این تصویر، به ترتیب از راست، ماکسیموف (سفیر شوروی در تهران)، مولوتوف (وزیر خارجه شوروی)، محمدرضا پهلوی، استالین و محمد ساعد مراغه‌ای (وزیر خارجه ایران) دیده می‌شوند. اما سال‌ها بعد، گزارشی محرمانه منتشر شد که نشان می‌داد استالین، با توجه به وسواس امنیتی‌اش، همواره برای چنین ملاقات‌هایی، از بدل‌هایش استفاده می‌کرده است؛ به همین دلیل، برخی معتقدند آن کسی که در تصویر کنار محمدرضا پهلوی ایستاده و او را به گرفتن ژست وادار کرده است، نه استالین، بلکه بدل اوست!

ویژه

پیام شهردار قم به مناسبت سالروز تشکیل بسیج مستضعفان

شهردار قم در پیامی فرا رسیدن سالروز تشکیل بسیج مستضعفان و هفته بسیج را گرامی داشت.

سید مرتضی سقائیان‌نژاد شهردار قم در آستانه فرا رسیدن پنجم آذر ماه سالروز صدور فرمان بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی(ره) در تشکیل بسیج مستضعفان، ضمن گرامیداشت یاد و نام شهدای والامقام بسیج، سالروز تشکیل این شجره طیبه را تبریک گفت.

متن پیام شهردار قم به این شرح است:

بسمه تعالی

بسیج، سپر حمایتی مستحکمی برای حفظ منافع ملی وسلاحی توانمند در مقابله با تهدیدات دشمن است.

پنجم آذر، بهاداور تشکیل مردمی‌ترین نهاد ارزشی برخاسته از بطن جامعه در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است و این اتفاق مبارک، نقطه عطفی ماندگار در نقشه راه انقلاب محسوب می‌گردد که امام راحل به عنوان معلم تاریخ معاصر و معمار کبیر انقلاب، این میراث ارزشمند را برای تبیین عمل در سایه اخلاص، بازشناسی دقیق توانمندی‌ها و اتکا به خودباوری و سرمشق و الگویی برای نهضت‌های آزادی‌بخش به ودیعه گذاشت که نشانه‌ای عمق و ژرفای دیدگاه راهبردی معظم‌له، آینده‌نگاری و تلاشی نظام‌مند برای بازفهمی و بازساخت است. سرمایل تهدیدات دشمن پایانی ندارد و شناسایی راهبردهای آسیب‌پذیر و نحوه مقابله با آن‌ها از توانمندی‌های این نهاد مردمی است و می‌توان از آن به عنوان سپر حمایتی مستحکمی برای حفظ منافع ملی و دفاع ازامنیت وسلاحی توانمند در مقابله با تهدیدات دشمن نام برد. آمایش ظرفیت‌های مردمی با تجمیع نظام‌مند نیروها در قالب بسیج تبلور یافت و ولایت‌محوری به عنوان تضمین کننده استمرار موفقیت‌های بسیج در عرصه‌های مختلف پیوست باورشان گردید و با بهره‌گیری از اندیشه‌ها و هدایت‌های حکیمانه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای(دام مجده العالی) رشد و نمو یافت؛ یگونه‌ای که تاریخ پرحماسه انقلاب اسلامی سرشار از صحنه‌های حماسی دفاعی و سازندگی این شجره طیبه است که سرنوشت کشور را متحول ساخت و توانست با نقش‌آفرینی صحیح در برش‌های مختلف زمانی انقلاب و اتکا به ایمان، خودباوری و اعتماد به توانمندی جوانان؛ از تهدیداتی همانند جنگ سخت، جنگ نرم، تهاجم فرهنگی و تخریب‌ها فرصت ساخته و دشمن را در فهم متحیر ساخته و در توطئه ناکام گذارد. بسیج تشکیل گروه‌های جهادی در محرومیت‌زدایی و مدیریت نقش‌های اجتماعی و ایجاد حلقه‌های بصیرتی در فرهنگ‌سازی، تحولات بنیادینی رابه یادگاربگذارد و با پرچمداری در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب همچنان در عمل به منویات مقام عظمای ولایت پیشگام باشد. برآیند مقابله تطبیقی عملکرد بسیج در گذر زمان، نشانه ماندگی و تحول است و این اندیشه والا و مکتب پویا، ارزش و مایه افتخار برای جامعه اسلامی محسوب می‌گردد و الگویی موفق برای نظام‌مندسازی تشکل‌های مردمی داخلی و نهضت‌های آزادی‌بخش جهان است. بی‌شک اخلاص و ولایت‌مداری بسیج برتوانمندی‌هایش سایه انداخته و شاخص‌های موفقیتش، هیچ محدودیتی را برنمی‌تابد و منظومه فکری بسیج منحصر به دفاع نیست بلکه در تولید علم و خلق ایده‌های نوین نیز فعال است و اگر این فرهنگ مقاومت، مجاهدت و بالنده الگو و پیوست خدمت سایر دستگاه‌ها و سازمان‌ها گردد؛ شاهد تحولات عظیمی در اجرایی‌سازی فرامین مقام معظم رهبری و تحقق رونق تولید برای نیل به توسعه پایدار خواهیم بود؛ اینجانب از جوار بارگاه نورانی حضرت فاطمه معصومه(سلام الله علیها) ضمن یادداشت هفته بسیج و سالروز تشکیل این شجره طیبه به فرمان بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(رحمت الله علیه)، این مناسبت بزرگ را به همه بسیجیان دلاورمیهن اسلامی این سربازان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه‌الشریف) تبریک گفته و یاد و خاطره شهدای والامقام، جانبازان سرافراز، ایثارگران صبورو آزادگان سربلند این عرصه را گرامی داشته و از درگاه خداوند متعال عزت، اقتدار و سربلندی، ایران اسلامی را مسالت دارم.

پیام تسلیت استاندار قم به مناسبت ارتحال آیت الله میرمحمدی زرندی

استاندار قم در پیامی ارتحال آیت الله سید ابوالفضل میرمحمدی زرندی نماینده مجلس خبرگان رهبری را تسلیت گفت.

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

ارتحال عالم فرزانه آیت‌الله حاج سید ابوالفضل میر محمدی زرندی(ره)، موجب تأثر و تأسف گردید.

آن عالم وارسته ، سراسر عمر نورانی و پر برکت خویش را در راه خدمت به اسلام و نشر و ترویج احکام و معارف دینی سپری کردند و در عرصه های مختلف سیاسی واجتماعی از جمله مجلس خبرگان رهبری، شورای عالی قضایی و حضور در سنگر دانشگاه نیز منشاء خدمات ارزنده ای برای نظام و میهن عزیز اسلامی بودند.

اینجانب این ضایعه بزرگ را به علما و مراجع معظم تقلید، حوزه های محترم علمیه به ویژه بیت مکرم و فرزندان آن بزرگوار، تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان برای آن فقید سعید علو درجات و غفران واسعه و برای بازماندگان معزز، صبر و اجر جمیل خواستارم.

علی طالبی رییس اداره آموزش و پرورش استعدادهای درخشان:

همایش توسعه و بهبود فرآیند المپیادهای علمی دانش آموزی برگزار شد

همایش توسعه و بهبود فرایند المپیادهای علمی دانش آموزی با همکاری حوزه معاونت آموزش متوسطه اداره کل و اداره استعدادهای درخشان و دانش پژوهان جوان اداره کل و با هدف تبیین، تشریح و بررسی راه کار های عملی توسعه کمی و کیفی مشارکت دانش آموزان استان قم برگزار شد.

به گزارش اداره اطلاع رسانی و روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش استان قم همایش توسعه و بهبود فرایند المپیادهای علمی دانش آموزی با همکاری حوزه معاونت آموزش متوسطه اداره کل و اداره استعدادهای درخشان و دانش پژوهان جوان اداره کل و با هدف تبیین، تشریح و بررسی راه کار های عملی توسعه کمی و کیفی مشارکت دانش آموزان استان قم در فرایند المپیادهای علمی دانش آموزی ویژه کلیه مدیران دوره متوسطه دوم و با حضور دکتر سالاریان، معاون باشگاه دانش پژوهان جوان مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان وزارت متبوع و برخی همکاران وزارتی زیر مجموعه آن حوزه در سالن آموزش مرکز رقامی شماره ۱ فرهنگیان برگزار گردید. علی طالبی رییس اداره آموزش و پرورش استعدادهای درخشان گفت: در همایش مذکور، علاوه بر تبیین شرایط شرکت دانش آموزان در فرایند المپیادهای علمی سال جاری و نیز اعلام برخی مزایای مشمول مدال آوران، توضیحاتی در خصوص برگزاری اولین دوره المپیاد پژوهشی دانش آموزی در دو محور "محیط زیست و انرژی" توسط مسئولین وزارتی ارائه گردید. وی در پایان افزود لازم به ذکر است، در همایش مذکور، حمیدرضا شیخ الاسلام مدیر کل آموزش و پرورش نیز، با توجه به ظرفیت موجود در استان قم، بر لزوم توجه بیشتر به فرایند المپیادهای علمی دانش آموزی تاکید نمودند و این مسیر را راهی در جهت نخبه پروری و ایجاد فضایی مناسب علمی در استان دانست.

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com

خراسان
پذیرش غیرحضوری آگهی‌های تبریک، تعدیر و تشکر
پذیرش تلفنی:
۳۷۰۰ ۹۹۹۹
پذیرش تلگرامی:
۰۹۱۵۴۷۱۱۳۰۰